

أَسَيْدُ بْنُ عَمْرُو: از متولیان کعبه در روزگار جاهلیت

اسید بن عمرو بن تمیم، از اشراف قبیله بنی تمیم بود که نسبش با هشت واسطه به عدنان، جد پیامبر ﷺ می‌رسید.^۱ درباره او، جز این که در روزگار جاهلیت تولیت خانه خدا را بر عهده داشته، سخنی نیامده است. گفته‌اند: وی پس از مرگ پدرش عمرو که متولی کعبه بود، مقام تولیت خانه خدا را بر عهده گرفت.^۲ گویا تولیت اسید تا هنگام مرگش که زمان آن دانسته نیست، ادامه داشته است. پس از او خاندان مُضر که بزرگ خود را از دست داده بودند، ابوخفاد اسدی^{*} را برای تولیت کعبه پیشنهاد کردند و او به این منصب گمارده شد.^۳ تبار اسید از فرزندانش جروه، عمرو، نمیر، حارث و عقیل ادامه یافت^۴ و آنان با هویت بنو اسید بن عمرو شناخته شدند. آن‌ها متولی بتی به نام شمس بودند که آن را هند بن ابی هاله از همین تیره در دوران پیامبر ﷺ شکست.^۵

به گزارش یعقوبی، در پی اتفاق نظر عرب در واگذاری ولایت موسم و افاضه^{*} (فرمان

١٤١٥؛ تاریخ الیعقوبی: احمد بن یعقوب (٢٩٢.م.ق.)، بیروت، دار صادر، ١٤١٥؛ تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم): ابن کثیر (٧٧٤.م.ق.)، به کوشش شمس الدین، بیروت، دار الكتب العلمیه، ١٤١٩؛ تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن): القرطبی (٦٧١.م.ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ١٤٠٥؛ تهدیب الکمال: المزی (٧٤٢.م.ق.)، به کوشش بشار عواد، بیروت، الرساله، ١٤١٥؛ رجال أُنزَلَ اللَّهُ فِيهِمْ قُرآنًاً عبد الرحمن عميره، بیروت، دار الجبل، ١٤١٠؛ السیرة النبویه: ابن هشام (٢١٨.م.ق.)، به کوشش مصطفی السقا و دیگران، بیروت، دار المعرفه؛ شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید (٦٥٤.م.ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الكتب العربية، ١٣٧٨؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (٣٢٠.م.ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الكتب العلمیه، ١٤١٨؛ فتوح البلدان: البلاذری (٢٧٩.م.ق.)، بیروت، دار الهلال، ١٩٨٨؛ قاموس الرجال: محمد تقی شوستری، قم، نشر اسلامی، ١٤١٨؛ لسان العرب: ابن منظور (٧١١.م.ق.)، قسم، ادب الحوزه، ١٤٠٥؛ المسترشد: الطبری الشیعی (٤.قرن م.ق.)، به کوشش محمودی، تهران، کوشانپور، ١٤١٥؛ معجم رجال الحديث: الخوئی (١٤١٣.م.ق.)، بیروت، ١٤٠٩؛ المغازی: الواقدی (٢٠٧.م.ق.)، به کوشش مارسدن جونس، بیروت، اعلمی، ١٤٠٩؛ المفید من معجم رجال الحديث: محمد جواہری، قم، مکتبة المحلاتی، ١٤٢٤.

علی نصیری

- ١. الانساب، ج١، ص٢٥٤؛ معجم قبائل العرب، ج١، ص٣٧.
- ٢. شفاء الغرام، ج٢، ص٥٣.
- ٣. شفاء الغرام، ج٢، ص٥٣.
- ٤. الانساب الانساب، ج١٣، ص٦٥.
- ٥. الاصنام، ص٧٠؛ معجم البلدان، ج٣، ص٣٦٢.

بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ الانساب: عبدالکریم السمعانی (۵۶۲م.ق.)، به کوشش عبدالرحمن، حیدرآباد، دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۸۲ق؛ البداية و النهاية: ابن کثیر (۷۷۴م.ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوك) الطبری (۳۱۰م.ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تاریخ الیعقوبی: احمد بن یعقوب (۲۹۲م.ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ جمهوره انساب العرب: ابن حزم (۴۵۶م.ق.)، به کوشش گروهی از علماء، بیروت، دار الكتب العلمیه؛ شفاء الغرام: محمد الفاسی (۳۲۳م.ق.)، به کوشش مصطفیٰ محمد، مکه، النہضۃ الحدیثۃ، ۱۹۹۹م؛ المحجر: ابن حبیب (۲۴۵م.ق.)، به کوشش ایلزه لیختن شتیر، بیروت، دار الاقاق الجدیده؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (۲۶۶م.ع.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ معجم قبائل العرب: عمر کحاله، بیروت، الرساله، ۱۴۰۵ق.

سید محمود سامانی



اشاعره: پیروان مذهب کلامی اشعری، دارای دانشوران و پیروان فراوان در حرمین شویفین

مکتب کلامی اشعریان از مذاهب کلامی اهل سنت است. بنیان گذار این مکتب ابوالحسن علی بن اسماعیل است. او به ابو موسی اشعری، صحابی پیامبر گرامی ﷺ نسب می‌برد و از این رو، به ابوالحسن اشعری

کوچ حاجیان از عرفات به مشعر الحرام) به بنی تمیم، پس از آن که چند تن از ایشان عهده دار این منصب بودند، نواحی اسید، معاویه بن شریف، این منصب را به عهده گرفت.^۱ فرزند او مخاشن بن معاویه نیز از داوران عرب بود.^۲ ابن حبیب بغدادی، از نواحی کان او، معاویه و صلصل بن اوس را از کسانی دانسته که ولایت موسم و داوری شعر بازار گکاظ را هم زمان بر عهده داشته‌اند.^۳ از تبار او، ابوهاله نباش بن زراره است که شوهر حضرت خدیجه رض بود.^۴ از همین تبار است حارت پسر ابوهاله که پس از مسلمان شدن در مکه و اظهار آن، در سیزی با برخی مشرکان در مسجد الحرام، زیر رکن یمانی کشته شد.^۵ همچنین اوس بن حجر که از شاعران عرب روزگار جاهلیت بوده^۶ و حنظله بن ریبع، از کاتبان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز از همین نسل هستند.^۷

منابع

الاصنام: ابن الكلبی (۲۰۴م.ق.)، به کوشش احمد زکی، تهران، ۱۳۶۴ش؛ انساب الاشراف: البلاذری (۲۷۹م.ق.)، به کوشش زکار و زرکلی،

۱. انساب الاشراف، ج ۱۲، ص ۳۶۳.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۵۸.

۳. المحجر، ص ۱۸۱.

۴. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۶۱.

۵. انساب الاشراف، ج ۱۳، ص ۱۶۵؛ جمهوره انساب العرب، ص ۲۱۰.

۶. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۴۶۳؛ انساب الاشراف، ج ۱۳، ص ۹۴.

۷. الانساب، ج ۱، ص ۴۵۴؛ البداية و النهاية، ج ۵، ص ۳۴۲.